



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی و حل ترس از مدرسه و کلاس درس دانش آموز ابتدایی

مازیار امینی^۱

۱- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی کرمانشاه

mazyargamer1996@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و حل ترس از مدرسه و کلاس درس دانش آموز ابتدایی انجام شد. ترس از مدرسه و کلاس درس ممکن است به دلیل عوامل متعددی ایجاد شود، از جمله تجربه ناخوشایند در گذشته، فشار و استرس اجتماعی، مشکلات تحصیلی، ترس از ارتباط با همکلاسی‌ها و معلمان، و سایر عوامل روانشناختی و اجتماعی. در این مقاله، ابتدا علل و عوامل موجب ترس از مدرسه و کلاس درس در دانش آموزان ابتدایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، راهکارهایی برای حل این مشکل ارائه می‌شود. به عنوان یکی از راهکارها، ایجاد یک محیط دوستانه و حمایت‌کننده در مدرسه و کلاس درس مطرح می‌شود. این شامل ایجاد ارتباط مثبت و صمیمی با همکلاسی‌ها و معلمان، تشویق به همکاری و کمک به همدیگر، و ایجاد فضایی آموزشی دوستانه است. علاوه بر این، ارائه روش‌های آموزشی مناسب برای کاهش ترس نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. استفاده از روش‌های فعال‌سازی، بازی‌های آموزشی، استفاده از تکنیک‌های آرامش بخش و مدیریت استرس، و توجه به نیازهای روانشناختی و اجتماعی دانش آموزان در فرایند آموزش، به عنوان راهکارهای کلیدی برای حل این مشکل مطرح می‌شوند. در نهایت، این مقاله به اهمیت همکاری بین مدرسه و خانواده در حل ترس از مدرسه و کلاس درس نیز اشاره می‌کند. همکاری و هماهنگی بین معلمان و والدین می‌تواند به ایجاد یک محیط حمایت‌کننده و آموزشی موثر تر در دانش آموزان کمک کند.

کلمات کلیدی: ابتدایی، مدرسه، ترس، کلاس درس، دانش آموز



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

ترس از مدرسه و کلاس درس یکی از موضوعات مهم و گاهاً پیچیده است که بر روی روند یادگیری و توانایی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. این ترس می‌تواند از عوامل اصلی موجب کاهش انگیزه، افزایش استرس و حتی کاهش عملکرد تحصیلی فرد شود. بنابراین، شناخت علل و ریشه‌های این ترس و ارائه راهکارهای مناسب برای حل آن، امری حیاتی و ضروری به منظور بهبود محیط آموزشی و پرورشی است. در این مقاله، به بررسی و تحلیل ترس از مدرسه و کلاس درس در دانش‌آموزان ابتدایی پرداخته و راهکارهای موثر برای کاهش این ترس و افزایش رضایت و عملکرد تحصیلی آنان را مورد بررسی قرار خواهیم داد. این مقاله با هدف افزایش آگاهی و شناخت عمیق‌تر از ترس در دانش‌آموزان، بهبود روند یادگیری و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی تهیه شده است. اولین مسئله‌ای که در فرستادن کودک به مدرسه حائز اهمیت باشد، میزان آمادگی وی برای پذیرش نقش و مسئولیت دانش‌آموزی است. آمادگی را می‌توان با توجه به سن تحولی و رشد وی، میزان انطباق جویی وی با شرایط اجتماعی شدن و درک تضادها و توقعات آموزشی سنجید نه به اتکای نمره استاندارد شده یک آزمون خاص، از این رو فرستادن کودک به کلاسهای آمادگی تا حد زیادی تعیین‌کننده میزان آمادگی کودک برای رفتن به کلاس اول است. هر چند برخی ویژگیها مانند اینکه: هنگام مدرسه رفتن گریه می‌کنند، به موقع لباس نمی‌پوشند، صبحانه نمی‌خورند، تظاهر به درد شکم و معده می‌کنند، وقت را تلف می‌کنند و صراحتاً می‌گویند: «من نمی‌خواهم به مدرسه بروم». در اکثر کودکان هفت ساله دیده می‌شود، اما همین که کودک به مدرسه رسید، تمامی این شکایت به پایان می‌رسد و کودک با سایر کودکان همگام و همراه می‌شود. اما کودکی که آمادگی رفتن به مدرسه را ندارد، نه تنها قادر به انطباق اجتماعی، نقش‌ها، مسئولیت‌ها، به کارگیری مهارت‌های اجتماعی، دوست یابی و... نیست، بلکه نمی‌تواند از مفاهیم آموزشی بهره لازم را نیز بگیرد. (همان منبع).

دانش آموز تنها برای آن به مدرسه نمی‌رود که مهارت بیاموزد و معرفت آندوزد بلکه مدرسه در جهت رشد آفرینندگی و راهنمایی او نیز وظیفه مهمی دارد. آموزش مهارت‌ها و رشد خلاقیت بدون یک برنامه راهنمایی میسر نمی‌باشد. راهنمایی دانش‌آموزان از آن جهت ضروری است که الگوهای رفتاری، و ویژگی‌های شخصیتی آنان از فردی به فرد دیگر متفاوت است. و از این رو لازم می‌آید علاوه بر کار کردن در گروه به فرد فرد آنان نیز توجه شود. و کمک‌های متناسب به هر کدام از آنها نیز فراهم آید. تنها در این صورت است که می‌توانیم مطمئن شویم که به کیفیت تعلیم و تربیت توجه لازم مبذول شده است.

کودکان این سن هنوز هم بیش از حد فعال هستند و چون برای اولین بار مجبور می‌شوند که بیشتر نشسته فعالیت کنند انرژی خود را به شکل عادات عصبی چون جویدن مداد - مکیدن انگشت - پیچ دادن مو و بیقراری عمومی صرف کنند. مدرسه و اولیای مدرسه نقش مهمی در جذب و آرامش دانش‌آموز دارند و می‌توانند دانش‌آموز را با روش‌های درست از حالت غریبه و بیگانه خارج کرده و در کاهش اضطراب و آشنایی دانش‌آموز با محیط جدید مؤثر باشند. من در اوایل سال تحصیلی این بی‌علاقگی تحصیلی را در یکی از دانش‌آموزان به نام (امیرعلی) در کلاس یکی از همکاران دیدم و خیلی دوست داشتم به او کمک کنم و این بی‌علاقگی دانش‌آموز را بهبود بخشم و بخاطر همین جریان‌ها بود که من از میان مشکلات مدرسه این مشکل را برای فعالیت تحقیق عنوان پژوهی انتخاب نمایم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بیان مسئله

عده‌ای از روانشناسان رفتار انسان را متأثر از احساسات او می‌انگارند. یعنی احساسات انسان ایجاد کننده رفتار او می‌باشد. اعتقادات و ادراکات انسان به وجود آورنده رفتارها هستند. از نظر تربیتی نیز این عقیده بسیار اهمیت دارد. اگر دانش آموزی احساس کند که معلمش او را دوست دارد، رفتارش نسبت به آن معلم دوستانه خواهد بود و به درس آن معلم نیز علاقه مند می‌شود. در مقابل اگر احساس کند که معلم او را دوست ندارد، احتمالاً نسبت به درس آن معلم نیز علاقه‌ای ندارد. باید کوشید تا چیزهایی را که دانش آموز در زندگی به آنها علاقه دارد شناسایی نمود و کار کردن با دانش آموز را از چیزهای دوست داشتنی آغاز کرد. دعوای خانوادگی زن و شوهر و تداوم آنها یکی از عواملی است که شدت سبب تضعیف روحیه و بی‌علاقگی تحصیلی دانش آموزان می‌شود. از آنجایی که کودکان در چنین لحظاتی زود انرژی و توان خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند همزمان با تحصیل بار مشکلات خانوادگی را نیز به دوش بکشند خسته و ناتوان می‌شوند و اولین آثار خستگی روحی آنها را می‌توان در کیفیت نمرات درسی آنها مشاهده کرد. والدین نباید در چنین شرایطی از فرزند دانش آموز خود توقع نمرات خوب داشته باشند و به او بگویند این دعوای ربطی به تو ندارد. چنین چیزی غیر ممکن است زیرا فرزندان جزیی از محیط خانواده هستند و هر چیزی چه مثبت چه منفی تأثیرات زیادی روی آنها در محیط خانواده خواهد داشت. این وظیفه والدین است که مراقب روحیه فرزندان دانش آموز خود باشند تا مانع از فرورفتگی شخصیتی آنها شوند و به این ترتیب راه را بر هر نوع زمینه انحرافی که در چنین لحظاتی آینده فرزندان را تهدید می‌کند ببندند.

عده‌ای از روانشناسان رفتار انسان را متأثر از احساسات او می‌انگارند. یعنی احساسات انسان ایجاد کننده رفتار او است. به عبارت دیگر احساسات، طرز فکرها، اعتقادات و ادراکات انسان به وجود آورنده رفتارند. از نظر تربیتی نیز این عقیده بسیار اهمیت دارد. اگر دانش آموزی احساس کند که معلمش او را دوست دارد، رفتارش نسبت به آن معلم دوستانه خواهد بود و به درس آن معلم نیز علاقه مند خواهد شد. در مقابل اگر احساس کند که معلم او را دوست ندارد، احتمالاً نسبت به درس آن معلم نیز علاقه‌ای نخواهد داشت.

توصیف وضع موجود

اینجانب در این آموزشگاه با دانش آموزی به نام (امیرعلی) برخورد کردم که علاقه زیادی به درس و مدرسه نداشت. متأسفانه تعدادی از همکاران زمانی که در شروع سال تحصیلی به کلاس وارد می‌شوند، دانش آموزان گستاخ و شلوغ را شناسایی کرده و برای جلوگیری از مشکلات بعدی با طعنه و دشنام و تحقیر سعی در سرکوب کردن او می‌نمایند. این عمل ممکن در مورد تعداد انگشت شماری از دانش آموزان، به ظاهر با موفقیت همراه باشد اما آتش لجاجت را در وجود او شعله ور می‌کند و حداقل کاری که می‌کند توجه نکردن و دل سرد شدن از درس می‌باشد و در مورد تعدادی از دانش آموزان نیز باعث درگیری‌های لفظی و زمینه تنبیه‌های بدنی و غیر بدنی می‌گردد.

درست است که مدیر و معلم در شروع سال تحصیلی باید به شناسایی دانش آموزان پپردازد و بلکه این بهترین کار می‌باشد اما این شناسایی باید برای ریشه یابی مشکلات جسمی و رفتاری او باشد. دانش آموزان یک کلاس فقط از نظر پایه تحصیلی با هم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یکی هستند و در بقیه موارد مثل بهره هوشی، استعدادها، توانمندی‌ها، سطح درآمد خانواده، سطح سواد، فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول خانواده با هم متفاوتند. شاید دانش آموزی که اینک سرکلاس نشسته است، شب گذشته شاهد بدترین نزاع و درگیری پدر و مادر بوده است. دیگری به دلیل مشکل مالی خانواده، از تغذیه درستی برخوردار نیست و از نظر جسمانی آمادگی پذیرش درس را ندارد. دیگری مرتب مورد تحقیر و سرزنش خانواده قرار دارد و در جواب آن‌ها لجاجت و سرکشی را در پیش گرفته است. در کنار آن‌ها کسی است که از فرط توجه و حمایت پدر و مادر نیازی به توجه به درس و معلم نمی‌بیند. حال چگونه می‌توانیم از همه انتظارات یکسان داشته باشیم. چرا به جای این که به دانش آموز بر چسب گستاخ، پررو، بی تربیت و تنبل بزنیم، ریشه مشکل را پیدا نکنیم. درست است که حل کردن مشکل تمام دانش آموزان و یا حتی بعضی از آن‌ها در توان معلم نیست، اما شناخت مشکل و توجه به آن ممکن و راه گشا می‌باشد.

گرد آوری شواهد ۱

امیرعلی از ابتدای سال گاهی به بهانه‌های مختلف با ماندن سر کلاس مخالفت می‌کرد و از اوایل آذر ماه این بهانه‌ها بیشتر شد، به خصوص اینکه به خواهرش بسیار وابسته بود. رفتن به مدرسه به صورت ترس برای او و اهل خانواده بود و در صورت رفتن هم، کلاس را رها کرده و به خانه بر می‌گشت. او در سر کلاس به درس گوش نمی‌داد و علاقه‌ای به درس و مدرسه از خود نشان نمی‌داد. همیشه موقع درس خواندن حواسش پرت بود و با اطرافیانش صحبت می‌کرد. من و خانواده او و همه عوامل مدرسه در پی راهکاری بودیم که این مشکل حل شود.

با توجه به اطلاعات جمع آوری شده از کتاب، مجله، سایت‌های اینترنتی و... برای گرد آوری شواهد لازم جهت تشخیص مسئله اقدامات زیر را انجام دادم:

۱- مشاهده رفتار دانش آموز در بازرسی از کلاس

در هفته دوم آبان ماه در مشاهده رفتار (امیرعلی) در بازرسی از کلاس متوجه شدم او دانش آموز بسیار آرام و کم حرفی است. بسیار به ندرت در کلاس با من و سایر هم کلاسی‌هایش صحبت می‌کند. بیشتر اوقات در کلاس سرش را پایین انداخته و در بحث‌های گروهی و کلاسی و پرسش و پاسخ در کلاس هیچ زمانی داوطلب نیست و در بعضی اوقات هم در حال گریه کردن است. همیشه با مادرش به مدرسه می‌آید و در هنگام آمدن به کلاس و رفتن مادرش همیشه نگران است.

۲- مصاحبه با مدیر و سایر همکاران مدرسه

در صحبتی که با مدیر مدرسه راجع به (امیرعلی) داشتم، ایشان نیز به این موضوع اشاره کردند که (امیرعلی) نمی‌تواند با سایر دانش آموزان ارتباط مؤثر و خوبی داشته باشد. بیشتر اوقات زنگ تفریح در حیاط فقط با یکی از هم کلاسی‌هایش دیده می‌شود. زمانی که با او کاری دارم واز او می‌خواهم به دفتر مدرسه مراجعه کند، پشت در دفتر ایستاده و جرات وارد شدن به داخل را ندارد. در صحبتی که با چند همکار دیگر داشتم آنها نیز اشاره کردند (امیرعلی) بسیار آرام و ساکت است. و همیشه به مادرش وابسته است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳-مصاحبه با مادر (امیرعلی)

در تماس تلفنی در مورخه ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ از مادر (امیرعلی) خواستم به مدرسه مراجعه کند تا با وی صحبتی داشته باشم. بعد از مطرح کردن مشکل (امیرعلی) در کلاس و مدرسه از مادرش خواستم تا کمی راجع به رفتار (امیرعلی) در منزل و نحوه برقراری ارتباط او با سایر اعضای خانواده و فامیل صحبت کند.

طبق گفته‌های مادرش آنها در خانه مشکل خانوادگی دارند و بین پدر و مادرش اختلاف وجود داشت ولی با این وجود (امیرعلی) در منزل نیز پسری بسیار آرام بوده، خیلی کم با پدر و مادرش صحبت می‌کند و مسائل و مشکلاتش را به ندرت در منزل مطرح می‌کند. در مهمانی‌های خانوادگی اغلب شرکت نکرده و یا در صورت شرکت بسیار آرام و ساکت نشسته و با کسی صحبت نمی‌کند. در هنگام حضور مهمان در منزل نیز بیشتر وقت را در اتاق خود گذرانده و از حضور در جمع مهمان‌ها خودداری می‌کند. البته قابل ذکر است که مادر (امیرعلی) این نکته را به عنوان حسن رفتار (امیرعلی) و نشان دهنده حجب و حیای وی مطرح کرد و از این مسئله بسیار خوشحال بود. مادر (امیرعلی) به این نکته نیز اشاره کرد که خودش بسیار کم و مختصر صحبت می‌کند و اهل زیاده‌گویی و توضیح بیش از حد نیست و پدر (امیرعلی) برای امرار معاش خانواده بیشتر وقت خود را در خارج از منزل سپری کرده و در ساعات فراغت از کار بیشتر استراحت کرده و بسیار کم با فرزندانش صحبت کرده و با آنها ارتباط برقرار می‌کند.

ایجاد آمادگی ذهنی

باید سعی می‌کردم با شروع سال تحصیلی ذهن امیرعلی را نسبت به مدرسه، معلم آماده کنم. به طوری که با تعریف و تمجید واقعی و منطبق برواقعیت از مدرسه و معلمان شور و اشتیاق مدرسه رفتن را درکودک ایجاد نمایم مادرش نیز باید سعی می‌کرد به او اطمینان دهد معلمش مهربان است و او را حمایت خواهد کرد.

ایجاد انگیزه

چند روزی در مشاوره‌ای که با امیرعلی داشتم با علاقه و اشتیاق زیاد در باره آنچه که او در مدرسه خواهد آموخت مثل خواندن، نوشتن، حساب کردن، شمردن، نقاشی، ورزش کردن حرف زدم. مادرش نیز بنا بر توصیه من می‌بایست با کتاب خواندن برای امیرعلی و هدیه دادن کتاب داستان به او علاقه او را به یادگیری خواندن و با سواد شدن افزایش می‌داد.

تجزیه و تحلیل و گردآوری اطلاعات

باتوجه به اطلاعات جمع آوری شده در رابطه با دلایل عدم علاقه به درس و کلاس و مشاهده رفتار امیرعلی در کلاس و مصاحبه‌ای که با مادر امیرعلی داشتم متوجه شدم از مهم‌ترین دلایل بی‌علاقگی به درس در امیرعلی و عدم علاقه به ماندن در کلاس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



- نحوه تربیت والدین که ماندن همیشگی و جدا نشدن حتی چند ساعت از والدین را برای پسر یک مثبت می‌باشد و نشان دهنده حجب و حیای وی می‌دانند.

- عدم انگیزه در امیرعلی به کلاس درس و مدرسه

ارائه راهکار موقتی

۱- برای تشویق او برای ماندن در کلاس، جوایزی درقبال پیشرفت تحصیلی (ولوبه مقدار کم) درحضوردانش آموزان به اوداده شود.

۲- درزنگ های تفریح به او مسولیت (دربان) بدهیم تاخودش مانع رفتن سایر دانش آموزان از مدرسه شود.

۳- درصورت لزوم ارجاع به مشاور که بنده به دلیل تجربه و علاقه‌ای که به امر مشاوره داشتم تصمیم گرفتیم با او در این امر مشورت و راهنمایی کنیم.

۴- مشاوره و راهنمایی خوددانش آموزونصیحت او

۵- ارتباط صمیمی ودوستانه معلمان وسایرمعلمان بااو

دلایل انتخاب راه حل

(امیرعلی) نیز مانند برخی از کودکان دچار مشکلاتی هم چون ناراحتی، بی قراری، ترس از مدرسه و حتی بیزاری و تنفر از کلاس و بی علاقه‌گی به درس شده است. ترس غیر منطقی (امیرعلی) از مدرسه به معنی امتناع از مدرسه رفتن و یکی از نشانه‌های اضطراب جدایی از والدین، خانه، خانواده و بخصوص مادر و یا شرایطی است که به آن وابسته شده است.

دلایل بی علاقه‌گی (امیرعلی) به درس و کلاس و ماندن در مدرسه

۱- اضطراب جدایی: معمولاً مادران بچه‌هایی که دچار اضطراب جدایی هستند، شخصیتی افراطی، مضطرب، بیش از حد حمایت کننده، مردد، حساس و عاطفی هستند که اضطراب خود را با بیان افکار منفی و عمل خود به بچه‌ها منتقل می‌کنند

۲- یادگیری: ترس و یا امتناع از مدرسه بیش از آن که علت شخصیتی و عاطفی داشته باشد ناشی از یادگیری است مادر یا پدری که در ارتباط با کودکان خود مفاهیم و یا نکته‌های منفی از مدرسه، تنبیه و توبیخ‌ها و تجارب ناخوشایند خود را از دوران تحصیل بیان می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند که مواظب رفتارهایشان باشند خواه ناخواه باعث ترس کودکان از مدرسه می‌شوند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

* کم کردن وابستگی (امیرعلی):

باید مادر (امیرعلی) سعی می‌کند با استفاده از روش‌های مناسب (مثل گذاشتن (امیرعلی) در خانه اقوام به مدت یکی دو ساعت در روز به صورت پراکنده یا بردن او به پارک و همراه کردن او با کودکان همسن و سال خودش) به تدریج وابستگی (امیرعلی) را به خود کم کند.

* ایجاد آمادگی ذهنی در (امیرعلی):

باید سعی می‌کردم با شروع سال تحصیلی ذهن (امیرعلی) را نسبت به مدرسه، معلم آماده کنم. به طوری که با تعریف و تمجید واقعی و منطبق برواقعیت از مدرسه و معلمان شور و اشتیاق مدرسه رفتن را در کودک ایجاد نمایم مادرش نیز باید سعی می‌کند به او اطمینان دهد معلمش مهربان است و او را حمایت خواهد کرد.

ایجاد انگیزه:

چند روزی در مشاوره‌ای که با (امیرعلی) داشتم با علاقه و اشتیاق زیاد در باره آنچه که او در مدرسه خواهد آموخت مثل خواندن، نوشتن، حساب کردن، شمردن، نقاشی، ورزش کردن حرف زدیم. * مادرش نیز بنا بر توصیه من می‌بایست با کتاب خواندن برای (امیرعلی) و هدیه دادن کتاب داستان به او علاقه او را به یادگیری خواندن و با سواد شدن افزایش می‌داد.

اجرای راهکارها

در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ برای تشویق او جوایز مختلفی که توسط مدرسه و حتی اولیا تهیه شده بود به دانش آموزان دادیم. در روزهای تفریح مسوولیت دربانی را به او سپردیم و همچنین خودمن با او مشاوره کردیم؛ بهانه‌های مختلفی می‌آورد، گاهی می‌گفت: «من از معلم خوشم نمی‌آید». «می‌خواهم جایم را عوض کنم». در عمل به هیچ کدام از این هاراضی نمی‌شد و جواب دادن طفره می‌رفت. حتی تهدید هم اثر نمی‌کرد. او دلیل آن را خستگی او عنوان می‌کردند. و همچنین نمی‌تواند به بازی‌هایش برسد.

طی دو جلسه مشاوره با این دانش آموز و مادرش که انجام شد. نتیجه‌ای قابل توجهی گرفتیم. با اینکه همه راهکارها را خود دانش آموز از قبل بلد بود. و هیچ کدام از راه حل‌ها او را راضی نمی‌کرد. طی چندین جلسه دعوت اولیای دانش آموز به مدرسه و همچنین مراجعه به خانه آن‌ها (از آن جایی که پسران در این سن وابستگی عاطفی زیادی به مادر دارند) کمک قابل ملاحظه‌ای در حل این مشکل کرد.

آن جلسه به (امیرعلی) مسوولیت دربانی دادیم و من هم در دفتر مدرسه بودم و قرار بود که به او به دفتر سربرزند که یادش رفت و از روز به بعد بود که او دیگر در کلاس درس حاضر می‌شد. البته به اولیا به خصوص به مادرش توصیه کردیم که حتی الامکان نیم ساعت مانده به وقت تعطیلی مدرسه در خانه حاضر باشد و در خانه حرف از برنامه‌های خرید و دیدن و بازدید در زمانی که (امیرعلی) در مدرسه بوده نزنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گرد آوری شواهد ۲

(امیرعلی) در طول دو ماه بعد حدوداً در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ از اجرای راهکارهای پیشنهادی، حضور در کلاسش منظم بود. به گفته پدر و مادرش دیگر کمتر بهانه می‌گرفت. حتی تنهایی و یا با دوستانش به مدرسه می‌آمد. معلم (امیرعلی) هم از رفتار و آرایش او در کلاس و مدرسه رضایت داشت. راه حل درست و منطقی در برخورد با دانش آموزان این است که به او توجه کنیم و احترام بگذاریم. احترام یکی از بزرگ‌ترین عوامل جلب محبت و اطاعت است و توهین به شخصیت مردم یکی از مهم‌ترین وسایل برانگیختن دشمنی و مخالفت است.

همچنین نیاز آدمی به تحسین و تشویق از تمایلات فطری است و تا پایان عمر با آدمی می‌ماند. اصولاً تصور این که عمل انسان مورد قبول دیگران واقع شود به انسان قدرت می‌بخشد و انسان از آن لذت می‌برد. شاید بعضی معتقد باشند که یک دانش آموز گستاخ و تنبل موردی برای تشویق ندارد. در صورتی که این طور نیست و معلم باید با صبر و حوصله‌ای که به خرج می‌دهد، رفتارهای نادرست دانش آموز را ندیده بگیرد و در عوض به دنبال کوچک‌ترین و کم اهمیت‌ترین مورد برای تشویق باشد.

ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن

آماده ساختن دانش آموز برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی، یکی از بزرگ‌ترین وظایف اجتماعی پدر و مادر است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی دانش آموزان برجای گذارد. خانواده‌ای که از توان و امکانات لازم برخوردار است تا وظایف پدر و مادریش را به نحوی مطلوب و با موفقیت انجام دهد، در هریک از اعضایش احساس ایمنی، وابستگی و رفاقت ایجاد می‌کند؛ همچنین احساس داشتن هدف جهت، پیشرفت و ارزش فردی را در آنان به وجود می‌آورد

این امر برای دانش آموز از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا خانواده بین او و دنیای گسترده، در حکم سپر، صافی و پل عمل می‌کند. بنابراین، خانواده نقش منحصر به فردی در پی ریزی اساس سازگاری فرد با جامعه ایفا می‌کند. قابلیت‌های پیوستگی، همکاری، خلاقیت از زندگی خانوادگی نشأت می‌گیرد (پرینگل، ۱۳۸۹).

در سلسله نیازهای مثلث مازلو (۱۹۷۰) بعد از نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی، به مرحله نیاز به محبت و تعلق داشتن می‌رسیم که این دانش آموز (ا-ش) احساس می‌کرد که مورد محبت واقع نشده، تعلق به خانواده ندارد و خانواده در گشت و گذارها، خریدها و مهمانی‌ها او را مشارکت نمی‌دهد که باعث این مشکل (مدرسه‌گریزی) شده بود.

پیشنهادات برای والدین جهت علاقه مند شدن دانش آموزان به درس و ماندن در کلاس

کمک به علاقه دانش آموز به یادگیری

دانش آموز از همان اوان دانش آموزی، میل به یادگیری را نشان می‌دهد؛ بدنش را لمس می‌کند، و بعد اشیایی که در اطرافش وجود دارند را در دستانش می‌گیرد. اولین نقشی که والدین در این زمینه دارند این است که به این کنجکاو طبیعی کمک کنند. این کمک خیلی زود از سنین بسیار پایین آغاز می‌شود. دونالد وینیکوت، متخصص اطفال و روان‌درمانگر انگلیسی از یک



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بازی که آن را «معرفی اشیاء» می‌نامد، صحبت می‌کند: اشیاء را به دانش آموز نشان می‌دهید و در عین حال نام آنها را همراه با لبخند بر زبان می‌آورید، سپس به او اجازه می‌دهید آن را در دستانش بگیرد. بعدها وقتی دانش آموز بزرگتر شد مثلاً طی سفر یا بازدید از موزه‌ها او را به فرهنگ علاقه‌مند می‌کنید... دانش آموز باید ایفاگر نقش بماند و پدر و مادر در تکامل و پیشرفتش از او حمایت کنند.

نقش معلم را برایش ایفا نکنید

در مهد دانش آموز و دوران مدرسه، بین نقش والدین و معلم تقریباً تفاوتی وجود ندارد: برای دانش آموز کتاب می‌خوانند، شمردن را به او یاد می‌دهند و او را تشویق می‌کنند نقاشی بکشد... اما لازم است همگام با رشد دانش آموز، نقش والدین و معلمان از یکدیگر مشخص شود. این بدان معنا نیست که خود را از آموزش به دانش آموز منع کنیم بلکه از ایفاکردن نقش معلم خودداری کنیم. چنانچه خواسته شما از فرزندتان بیش از حد باشد و همه چیز حالت تربیتی و آموزشی داشته باشد، قطعاً این خطر وجود دارد که او را نسبت به هر گونه یادگیری دلزده کنید. علاوه بر آن، در رابطه پدر و مادر- فرزند، رابطه عاطفی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. پدر یا مادر می‌خواهند آمال و آرزوهای خود یا روند دوران تحصیلی خودشان را در مورد دختر یا پسرشان پیاده کنند. فرزند برای آنکه نسبت به پدر و مادر و معلمش «وفادار» بماند، سعی می‌کند خواسته آنان را عملی کند و در این صورت احتمال دارد دچار تعارض شود.

درس خواندن را برایش معنادار کنید

برای آنکه دانش آموز برای درس خواندن انگیزه داشته باشد و احساس مسئولیت کند باید درک کند که برای پدر و مادرش درس نمی‌خواند بلکه این کار را برای خودش انجام می‌دهد تا به هدفی شخصی دست یابد. همچنین او باید قادر باشد بین زندگی کنونی‌اش به‌عنوان دانش‌آموز و زندگی آینده‌اش به‌عنوان فردی بزرگسال ارتباط ایجاد کند و از دانش آموزی برنامه یا رؤیای شغل آینده‌اش را در ذهن بپروراند. «می‌خواهی یک دامپزشک بشوی؟ درس علوم خیلی برایت مهم است»، «یک خبرنگار بزرگ؟ یادگیری زبان‌های خارجی به تو کمک می‌کند...» البته این بدان معنا نیست که او را دربند برنامه‌ای دست نیافتنی و غیرعینی کنید بلکه به او کمک کنید تا به تلاش‌هایی که مدرسه از او می‌خواهد، معنا ببخشد.

به او یاد دهید زمان را اداره کند

اغلب بچه‌ها وقتی عادت می‌کنند تکالیفشان را به‌طور نامنظم انجام دهند، عاجز می‌شوند. از این رو باید خیلی زود به آنها ریتم منظم کاری داد. وقتی دانش آموز از مدرسه به خانه برمی‌گردد، چه زمانی بیشتر احساس راحتی می‌کند تا تکالیفش را انجام دهد؟ با در نظر گرفتن علائق او و محدودیت‌های خانواده، یک ساعت مشخص را برایش تعیین کنید. بدین ترتیب دانش آموزی که از همان کلاس اول هر روز بعد از خوردن عصرانه به خواندن عادت کند، بعدها نیز راحت‌تر می‌تواند وقت بیشتری را به‌طور منظم به انجام تکالیف مدرسه‌اش اختصاص دهد.



برای انجام تکالیف محیط مناسبی برایش فراهم کنید

بستگی به انتخاب خود دانش آموز دارد؛ داخل آشپزخانه، داخل اتاقش یا مکانی که همه افراد خانواده دور و بر او هستند... بعضی از بچه‌ها بیشتر از بچه‌های دیگر نیاز دارند تا با حضور والدینشان احساس حمایت کنند. اما در کل، هر چه دانش آموز بزرگ‌تر شود، برای انجام تکالیفش بیشتر به تنهایی نیاز دارد. بنابراین روش درست، آن است که از این استقلال حمایت کنیم: برای آنکه مطمئن شوید تکالیفش را انجام داده او را «نپایید» بلکه نشان دهید که به او اعتماد دارید؛ در عین حال نشان دهید که برای پاسخگویی به سؤالاتش در دسترس و مراقب ادامه روند تحصیلی‌اش هستید.

به جای قضاوت کردن بر او نظارت کنید

در هر حالتی، دانش آموز باید تکالیفش را خودش به تنهایی انجام دهد. چنانچه تکالیفش را «به جای او» انجام دهید، باعث می‌شود همه اعتمادی که به قابلیت‌هایش برای پیشرفت کردن دارد را از دست بدهد و در حالی که اجازه نمی‌دهید پیامدهای اشتباهاتش را تجربه کند، او را بی‌مسئولیت بارمی‌آورید. پدر و مادر بنا به درخواست دانش آموز و برای آنکه ببینند تکالیفش را به اتمام رسانده است باید مداخله کنند. این نظارت فرصتی است تا نقاط ضعف دانش آموز را مشخص کنند و به‌ویژه نشان دهند که شاهد تلاش‌ها و زحمات او هستند. هیچ قضاوتی در مورد او نکنید، نمرات کلاسی‌اش کفایت می‌کند. همچنین افکاری از این دست را کنار بگذارید: «تو هیچی نفهمیدی»، «تومی تونستی بهتر از اینها کار کنی» و... به جای گفتن «تو» ترجیحاً عباراتی بدون منظور به کار برید که او را برای اصلاح خود تشویق می‌کنند؛ مثلاً، به جای آنکه بگویید: «تو ۳ بار اشتباه کرده‌ای» بگویید: «۳ اشتباه وجود دارد» و به‌خصوص فراموش نکنید که به ازای هر موفقیت به او تبریک بگویید.

نقاط قوتش را بازشناسید

اغلب پدر و مادرها در حالی که فراموش می‌کنند نقاط قوت فرزندشان را بشناسند، روی نمرات بد او تمرکز می‌کنند. زبان، هنرهای تجسمی، جغرافی، ورزش و... هیچ درسی نباید بی‌ارزش شمرده شود. همچنین می‌توان از طریق دروسی که فرزندتان بر آنها تسلط دارد، او را به سمت دروسی که در آنها مشکل دارد سوق دهید؛ علاقه او به هنرهای تجسمی فرصتی است تا او را به تاریخ علاقه‌مند کنید. علاقه او به ورزش باعث می‌شود تا در مورد نیرو، زمان و فاصله با او صحبت کنید و اهمیت ریاضی را به او نشان دهید.

به جای اینکه نگران شوید درک کنید

کجا مشکل داشته؟ چه چیزی را نفهمیده؟ چه کار کنیم تا دوباره این اشتباهات را تکرار نکنند؟ اگر بنا باشد که با دیدن فقط یک نمره بد نگران نشویم، خوب است که در مورد علت‌های آن به روشنی و فوراً با دانش آموز و در صورت لزوم با معلمش صحبت کنیم. زیرا اگر مشکلات را به حال خود رها کنیم، احتمال دارد که یا نسبت به دانش آموز خیلی «سختگیر» شویم یا



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بیش از حد او را به حال خودش رها کنیم. «هیچ کاری نمی‌شه کرد»، «هر کار بکنی، هیچی از ریاضی سرش نمی‌شه»؛ این دو برخورد انگیزه دانش آموز برای درس خواندن را به شدت از بین می‌برد.

نتیجه گیری:

در مشکل مورد بحث ما وقتی مشکل ریشه یابی شد وبا قولی که از مادرش گرفتیم برای حضور در خانه و استقبال از فرزندش هنگام برگشتن از مدرسه، و دادن مسولیت به دانش آموز و برجسته کردن نقاط قوت دانش آموز، مشکل او حل شد و بعد از آن با آرامش بیشتری در سرکلاس حاضر می شد. تغییر در رفتار یک فرد به پروسه زمانی طولانی تری نیازمند است و نباید عجله و شتاب نمود. در مشکل مورد بحث ما وقتی مشکل ریشه یابی شد وبا قولی که از مادرش گرفتیم برای حضور در خانه و استقبال از فرزندش هنگام برگشتن از مدرسه، و دادن مسولیت به دانش آموز و برجسته کردن نقاط قوت دانش آموز، مشکل او حل شد و بعد از آن با آرامش بیشتری در سرکلاس حاضر می شد. نکته‌ای که باید اشاره کرد این که تغییر در رفتار یک فرد به پروسه زمانی طولانی تری نیازمند است و نباید عجله و شتاب نمود. از جمله علل این تغییر رفتار احترام به شخصیت دانش آموز، چشم پوشی عیب‌ها و سعه صدر معلم برای جلوگیری از تضاد با دانش آموز، تشویق کوچک‌ترین رفتارهای مثبت و برجسته کردن این رفتار به ظاهری بی‌ارزش و مهم‌تر از همه ایجاد رابطه دوستانه بین معلم و دانش آموز می‌باشد. درست است که وجود استعداد های متفاوت در افراد، معلم را وادار می‌کند تا برخوردهای متفاوتی داشته باشند ولی در صمیمی بودن نباید تفاوت بگذارند. اگر معلم با دانش آموز صمیمی باشد، دانش آموزان نیز متقابلاً او را دوست خواهند داشت و همین رابطه دوستانه، باعث نفوذ معلم در دانش آموز می‌شود. دانش آموز اگر معلم خود را دوست بدارد، سخنان او را قبول می‌کند و خود را موظف به پیروی از او می‌بیند. در مشکل مورد بحث ما وقتی مشکل ریشه یابی شد وبا قولی که از مادرش گرفتیم برای حضور در خانه و استقبال از فرزندش هنگام برگشتن از مدرسه، و دادن مسولیت به دانش آموز و برجسته کردن نقاط قوت دانش آموز، مشکل او حل شد و بعد از آن با آرامش بیشتری در سرکلاس حاضر می شد. نکته‌ای که باید اشاره کرد این که تغییر در رفتار یک فرد به پروسه زمانی طولانی تری نیازمند است و نباید عجله و شتاب نمود.

راهکارهایی برای حل مشکل مشابه در خانواده ها

۱. پدر و مادرها باید سعی کنند، دانش آموزان خود را مستقل به بار آورند. دانش آموزی که همه امکانات زندگی به صورتی سهل و ساده در اختیارش گذاشته می‌شود، نخواهد توانست خود را با محیطی سازگار کند که هر کس از حقوقی مساوی سهم می‌برد.
۲. اعمال و رفتار پدر و مادر باید به نحوی باشد که دانش آموز آمادگی پذیرش محیط‌های جدید و سازش با آنها را داشته باشد.
۳. یاری و مساعدت والدین به دانش آموز، باید به نحوی غیرمستقیم انجام بگیرد و دانش آموز خود را عاملی بالقوه و بالفعل در برابر سد مشکلات ببیند.



۴. با برخورد صحیح و مشخص به دانش آموز بقبولانیم که روابط ما با او همیشه عادلانه و منصفانه خواهد بود (گنج جو، ۱۳۶۸).

فهرست منابع

۱. پرینگل، میاکلمر (۱۳۹۶)، نیازهای دانش آموزان، ترجمه نیره ایجاد و جوادشافعی مقدم، تهران، رشد
۲. حسینی، محمد (۱۳۹۸)، ترس از مدرسه، مجله تربیت، شماره ۲۸۱، صفحه ۴۸
۳. طالبی، احمد (۱۳۹۷)، مدرسه گریزی در دانش آموزان را جدی بگیریم،
۴. کمالی، حمید (۱۳۹۵)، آنچه هر معلمی باید بداند، تهران، نشر بهار سبز
۵. گنج جو، بهروز (۱۳۹۸)، «فوبیای مدرسه» ترس و مدرسه گریزی دانش آموزان، نشریه اطلاعات، شماره ۱۲۴، صفحه
۶. کریمی، رامین (۱۳۸۷)، آنچه هر معلمی باید بداند، تهران، نشر بهار سبز
۷. گنج جو، بهروز (۱۳۸۸)، «فوبیای مدرسه» ترس و مدرسه گریزی کودکان، نشریه اطلاعات، شماره ۱۲۴، صفحه ۱.